

روش های فقه پژوهشی فقیهان صاحب مکتب فقهی

محمدعلی حیدری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، استادیار گروه الهیات، نجف آباد، ایران

Ma1.heidari@yahoo.com

چکیده

موضوع تحقیق روش‌های فقه پژوهی فقیهان صاحب مکتب فقهی است. فقیهان صاحب مکتب در اصطلاح فقهی به فقیهانی اطلاق می‌گردد که در عصر و دوره خود در مورد احکام شرعی فرعی اسلامی با دیدگاهی نو در استنباط و استخراج احکام فتوی داده و این فتاوی به همراه مقام علمی آنان موجب تمایز آنها از علمای قبل از خود و رفعت درجه آنها در بین معاصرین خود گردید. به حدی که علمای هم عصر آنان در احکام اسلامی نظری از خود ابراز نمی‌داشتند و این عدم ابراز شاید به علت درک عظمت علمی آن فقیه و اعتماد به آراء او بوده یا به خاطر احساس عجز در مقام استحکام مبانی فقهی آن فقیه بوده و یا اینکه اظهار نظر در مقابل مقام علمی آن فقیه را توهین و اهانت به مقام علمی او دانسته و لذا این عوامل دست به دست هم داده و موجب امتیاز آن فقیه در عصر خود و پیروی دیگران در اعصار پس از او و موجب ظهور یک مکتب فقهی که اساس آن به دیدگاه‌ها و نظرات فقهی آن فقیه منتهی شده می‌گردد. سؤال اصلی در این تحقیق این است که روش های فقه پژوهی فقیهان صاحب مکتب کدامند و کدامیک از این روشها جوابگوی مسائل فقهی - اجتماعی - فرهنگی در جامعه و موفق‌تر بوده است. و با این فرضیه که پویائی فقه و جوابگویی مسائل جدید در دوره‌هایی محقق و ظهور بیشتری داشته که فقهاء با بهره‌گیری از منابع فقهی از جمله آیات - روایات - اجماع به خصوص عقل و با اتکاء به روش‌های اجتهادی و تأثیر دادن مقتضیات زمان و مکان در استخراج و استنباط احکام گام نهاده و مکتب جدیدی را با توجه به آن روش و مقام علمی خود پایه‌گذاری نموده‌اند، از روش توصیف و تحلیل با مطالعه کتب - مجلات و مراجعه به سایت‌های مرتبط به تحقیق پرداخته و فرضیه را به اثبات و این نتیجه حاصل شده که روش‌هایی موجب رشد، بالندگی شده که فقیهان علاوه بر داشتن مقام والای علمی، جرأت و جسارت داشته و با در نظرگیری تأثیر مقتضیات زمان و حکام و تأثیر عقل به استنباط احکام شرعی اهتمام ورزیده‌اند.

کلید واژه: فقه - مکتب - روش، فقه پژوهی - فقیه.

مقدمه

با توجه به نقل قرآن: «الذین یتبعون الرسول النبى الامى الذین یجدونه...» (اعراف ۱۵۷) و مورخان، پیامبر گرامی اسلام خواندن و نوشتن نمی‌دانست در ترجمه تفسیر المیزان: «پیغمبر نا خوانده درس...» (موسوی همدانی ج ۸ ص ۳۴۹) اصلی‌ترین منبع استخراج احکام که قرآن می‌باشد باید به هر شکل ممکن از تعرض معاندان و معارضان محفوظ تا دست بدست و نسل به

نسل تا قیامت به مردم منتقل و مورد استفاده قرار گیرد. لذا برای این کار لازم بود به حفظ کردن از سوی حافظان و نوشتن آن توسط اشخاص که در ابتدا مورد اعتماد کامل و از طرفی دیگر خواندن و نوشتن بدانند مورد اهتمام قرار گیرد. هرچند خداوند می‌فرماید: «أَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَأَنَا لَهُ لِحَافِظُونَ» (الحجر ۹) و «فی کتاب مکتون لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه ۷۹) اگر این مسّ و لمس صرفاً لمس ظاهری نباشد و هم ظاهر و باطن را مشمول گردد، استفاده می‌شود. که جایگاه قرارگیری آن باید پاک باشد پس حافظان باید انسانهایی باشند که ظاهر و باطن پاک داشته باشند و انسانهای پلید قادر به حفظ آن نخواهند بود و باید حاملان امینی این مسئولیت را بعهده گیرند و بطور قطع در زمان حیات پیامبر، حضرت این جهت را ملاحظه و نظارت کافی داشته است و هم از نظر حفظ ظاهری آیات و هم حفظ باطن آیات به توضیح و تفسیر آیات قرآن پرداخته و مسلمانان احکام مورد نیاز را از طریق شفاهی از پیامبر، حافظان و یا کاتبان وحی دریافت می‌نمودند که مشهور کاتبان عبارتند از:

«۱- علی بن ابی طالب ۲- عثمان بن عفّان ۳- زبیر بن عوام ۴- ابان بن سعید بن عاص ۵- خالد بن ولید ۶- عمرو بن عاص ۷- ابوبکر ابن ابی قحافه ۸- اُبَیّ بن کعب ۹- محمد بن مسلمة...» (گرجی - ص ۴۰)

در این دوره که دوران حیات پیامبر گرامی اسلام است شاید اجتهاد بمعنای مصطلح آن نیاز نبوده است و «فقه به معنای متداول امروزی در آن زمان وجود نداشت و در نتیجه نمی‌توان شخصیت‌هایی را به عنوان فقیه آن دوره معرفی کرد» (همان ص ۴۲)

با عنایت به موضوع این تحقیق که روش های فقه پژوهی فقیهان صاحب مکتب است این دوره که عصر تشریح نامیده می‌شود را شامل نمی‌گردد. اما پس از رحلت پیامبر(ص)، کم کم بین مسلمانان اختلاف بروز کرد و اولین اختلاف در مورد جانشینی پیامبر بود و عده‌ای معتقد بودند این امر بر شارع مقدس واجب و پیامبر در زمان حیات خود این مهم را به انجام رسانده است و عده‌ای معتقد بودند این امر وظیفه عقلاء و بزرگان بود. و آنها نیز به وظیفه خود اقدام و ابوبکر را به این منصب گماشته‌اند که گروه اول به شیعه و گروه دوم به اهل سنت نام گرفته‌اند و از همین‌جا در امر اجتهاد و مباحث فقهی اختلاف ایجاد گردیده است. اما گروه شیعیان تا زمان دسترسی به ائمه اطهار یعنی غیبت کبری (۳۲۹ هـ) نیاز به اجتهاد و روش فقه پژوهی نداشته و پس از آن به گسترش دامنه اجتهاد همت گمارده‌اند. که باید اقسام روش‌هایی که فقیهان صاحب مکتب مورد توجه و از آن طریق احکام شرعی فرعی را استنباط کرده‌اند مورد بررسی قرار گیرد. اما اهل سنت پس از پیامبر برای استنباط احکام شرعی، روش‌های مختلفی را آزموده‌اند که آن هم در جای خود نیاز به بحث دارد. این تحقیق مشتمل بر دو بخش به معرفی اجمالی فقیهان صاحب مکتب و اقسام روش‌های فقه پژوهی از سوی فقیهان صاحب مکتب مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به یادآوری است که در بیان مکاتب فقهی به مکاتبی بر می‌خوریم که به یک منطقه - استان - شهر نسبت داده شده مثل مکتب فقهی مدینه، مکتب فقهی کوفه، مکتب قم و ری در اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم، مکتب نجف اشرف، مکتب قم در عصر حاضر، این مکاتب در صورتیکه در رأس آن یکی از فقهاء مطرح بوده است مورد بررسی قرار گرفته اما در صورتیکه فرد یا افراد خاصی بعنوان شاخص مطرح نبوده‌اند مثل مکتب مدینه، مکتب کوفه بخاطر خروج موضوعی از عنوان تحقیق از بیان آن صرف نظر شده است و فقط به نام آنها اکتفا شده است:

- ۱- مکتب مدینه منوره از ابتداء تا، اواسط قرن دوم هجری
- ۲- مکتب کوفه از اواسط قرن دوم تا غیبت کبری (۳۲۹)
- ۳- مکتب قم و ری از زمان غیبت کبری تا نیمه اول قرن پنجم هجری

- ۴- مکتب بغداد از نیمه اول قرن پنجم هجری تا زمان سقوط بغداد
- ۵- مکتب حله از زمان سقوط بغداد تا زمان حیات شهید اول و شهید ثانی ادامه یافت
- ۶- مکتب جبل عامل
- ۷- مکتب اصفهان
- ۸- مکتب بحرین
- ۹- مکتب کربلا
- ۱۰- مکتب نجف اشرف

روش فقه پژوهی اصحاب رأی:

در صورتیکه که حکم چیزی را در قرآن و سنت نمی‌یافتند و مسأله هم از مسائل جزئی بود مفتی به اقتضای رأی خود فتوی می‌داد. «مقصود از رأی این نیست که مفتی بدون مراجعه به کتاب و سنت از روی هوای نفس خود فتوی دهد، چه رأی به این معنی نه تنها از نظر شیعه بلکه بدون تردید از نظر اهل سنت هم بی اعتبار است؛ بلکه مراد از رأی آن است که هرگاه اهل استنباط از کتاب و سنت دلیل نصّ یا ظاهری نیابند بر مبنای آنچه شرع مقدس معین کرده است و با رعایت اهداف و مقاصد کلی شرع فتوی می‌دهند (گرجی ص ۵۱) بعنوان مثال در آن هنگام که مسلمانان ارض سواد (عراق و فارس) را فتح کردند، صحابه در توزیع اراضی بین فاتحین اختلاف کردند. مقاتلان می‌خواستند اراضی تقسیم شود و درباره آن به آیه «واعلموا انما غنمتم من شیء فانّ لله خمسه و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل» (انفال ۴۱) استدلال می‌کردند. چه عموم آیه شامل اراضی هم می‌شود ولی عمر، خلیفه دوم تقسیم را به مصلحت نمی‌دانست. به عقیده او آیه تنها اموال منقول را در بر می‌گرفت و نمی‌بایست اراضی بین جنگجویان تقسیم می‌شد و باید از جزیه آنها برای سدّ ثغور (مرزبان) و حمایت بلاد (کشورداری) استفاده شود بعلاوه در صورت تقسیم این امکان وجود داشت که در آینده فرزندان از آنها به جای بمانند که شایستگی تملک آنها را نداشته باشند پس از سه روز مجادله عمر به این نصّ قرآنی که موید قول او بود، برخورد «ما افاء الله علی رسوله من اهل القری قلّله و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا...» (حشر، ۷) پس از آن که عمر این آیه را تلاوت کرد همه پذیرفتند و از نظر اول خود برگشتند (خضری، ص ۱۰۲).

این روش استنباط احکام بیشتر در بین اهل سنت و مربوط به قرن اول هجری می‌باشد و «استناد به رأی در مواردی که نصّ خاص از آیات و احادیث وجود نداشت و مسئله تقریباً جنبه خصوصی داشته جای هیچ‌گونه شک و تردید نیست» (گرجی، ۵۰)

عمر در آن هنگام که شریح را برای قضا به کوفه فرستاد، به او گفت: «انظر ما یتبّین لک فی کتاب الله فلا تسال عنه احداً و ما لم یتبّین لک فاتبع فیه سنه رسول الله (ص) و ما لم یتبّین لک فی السنه فاجتهد فیه برأیک» (خضری ۹۶). همچنین باید توجه داشت که رأی صرفاً به معنای قیاس نیست بلکه شامل منابع دیگری که مورد نظر اهل سنت می‌باشد مثل مصالح مرسله - استحسان و ... نیز می‌گردد. آنگونه که ابوزهره معتقد است: «اهل استنباط با تأمل و تفکر حکمی را به دست می‌آورند که

هرچه بیشتر به کتاب و سنت نزدیک باشد چه این حکم در نتیجه به دست آوردن علت از مورد نصّ باشد که قیاس نامیده می‌شود و چه به علت دستیابی به مقاصد و اهداف شارع باشد که احیاناً مصلحت نامیده می‌شود» (ابوزهره ۱۷)

از نظر اکثر فقهای شیعه این رأی در صورتیکه دارای یک پشتوانه قطعی یا علمی باشد معتبر و جای هیچگونه تردیدی در صحت آن نیست. اما در صورتیکه مستند آن علم یا علمی نباشد هرچند ظن و گمان آور باشد ولی از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. پس اهل رأی چنانچه حکم مسأله در قرآن یافت نمی‌شد و سنت قطعی این بر آن دلالتی نداشت به احادیث چندان اعتماد نمی‌کردند و بر مبنای مشابَهت (رأی و قیاس) استحسان و ... فتوا می‌دادند و حتی نقل شده: «رَبِّمَا يَقْدُمُونَ الْقِيَّاسَ الْجَلِّيَّ عَلَى أَحَادِ الْاِخْبَارِ» (شهرستانی ج ۱ ص ۲۴۶) قیاس جلی را بر خبر واحد ترجیح می‌داده‌اند.

روش فقه پژوهی مجتهدان

با مراجعه به تاریخ اینطور استنباط می‌شود که شکوفائی اجتهاد از نیمه دوم قرن سوم هجری شروع و تا نیمه اول قرن پنجم در عصر شیخ طوسی ادامه داشته و هرچند در این دوره محدثان به تدوین منابع حدیثی اشتغال داشته‌اند اما اهل اجتهاد نیز با طرح مباحث عقلی و تحلیلی و استنباط احکام شرعی از طریق اجتهاد خدمات شایان توجهی نموده‌اند. تلاشهای شیخ طوسی در این دوره آنچنان تأثیری داشت که تا ۱/۵ قرن سخنان او در محافل علمی مورد استفاده و هرگز مورد نقد و نقض قرار نگرفت. از نظر تاریخی پیشگامان این تفکر و روش ابن ابی عقیل عمانی و ابن جنید اسکافی می‌باشند. هرچند بحث استنباط و اجتهاد در زمان ائمه نیز وجود داشته و ائمه اطهار بحث اجتهاد و استنباط را در زمان خود تعلیم می‌داده‌اند که می‌توان گفت قرآن نیز بحث استدلال، استنباط و اجتهاد را مورد تأکید قرار داده است: «فَلَوْ لَا نَفَرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (برائت ۱۲۲)

بحث فقاہت و تفقه در دین مسلماً عبارت از حفظ چند آیه و روایت نیست بلکه منظور اجتهاد، تفکر و تعقل است و امام معصوم وقتی شخصی در مورد وضو یا مسح از ایشان سوال می‌کند امام در جواب می‌فرماید خودت تفقه کن جواب سوال در قرآن آمده و امام آیه: «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج ۷۸) را بیان می‌نماید. این آیه چگونه بیانگر حکم مسح پای شخصی است که زمین خورده و ناخن پای او شکسته و باندپیچی نموده است!!! پس حتماً استفاده حکم از آیه نیازمند استنباط و اجتهاد می‌باشد.

ابن عقیل عمانی

«حسن بن علی بن ابی عقیل ملقب به حدّاء از اعیان فقها و متکلمین شیعه و معاصر کلینی (۳۲۹ هـ) بوده است وی اولین کسی است که در اوائل غیبت کبری فقه را مهدّب کرد. با قواعد اصولی تطبیق داد و طریق اجتهاد و مصطلح را رایج کرد و ابن جنید این راه را ادامه داد که در اصطلاح فقهاء این دو فقیه را قدیمین نامیده‌اند» (موسوی خوانساری ص ۱۶۸)

از ویژگیهای ابن جنید این بود که قیاس را حجت می‌دانست این شیوه استدلال در طول تاریخ اسلام بطور نامتناوب ادامه داشته و در ادوار فقه گاه نهضت اخباریگری غلبه داشته و گاه مجتهدین تا عصر کنونی که در هر دو مکتب قم و نجف با تفاوتی که بین این دو مکتب وجود داشته و به بیان آن خواهیم پرداخت این شیوه و روش اجتهادی در بیان احکام جریان دارد.

روش فقه پژوهی اخباریون

«در قرن یازدهم دانشمندانی از شیعه به استناد این که موسس علم اصول اهل سنت هستند و اگر برای استنباط مسائل فقهی از ادله، نیازی به استفاده از قواعد اصولی لازم می‌آید اصحاب امامان فقیه نباشند چرا که آنان برای به دست آوردن احکام از روایات صادره از قواعد اصولی استفاده نمی‌کردند و بالاخره به استناد این که استفاده از قواعد علم اصول در استنباط احکام سبب می‌شود احادیث اهمیت لازم خود را از دست بدهد، معتقد بودند که منبع استنباط فقه شیعه منحصرأ کتاب و سنت است نه آنچه مجتهدان می‌گویند. از مهمترین پیشوایان این گروه مولی محمدامین استرآبادی (۱۰۳۶هـ) مولف کتاب الفوائد المدینه بود. او همه مجتهدان از قدیمین تا شهیدین و دیگران را به باد انتقاد می‌گرفت و همه را پیرو مکتب اهل سنت می‌دانست (گرچی ۲۳۰).

اخباریین سرسختانه مخالف با علم اصول بوده و کتب فقهی بر مبنای احادیث نگاشته شده است از نظر این فقهاء منبع استنباط احکام شرعی فقط کتاب و سنت می‌باشد. از مشهورترین اخباریین می‌توان از محمدامین استرآبادی (۱۰۳۶هـ) نام برد. وی از محدثان شیعه و در بین علمای شیعه مسلک اخبارگری را رواج داد و کتاب الفوائد المدینه را در ردّ اصولیین به رشته تحریر درآورد. همچنین مولی صالح مازندرانی، مولی محمدمحسن فیض کاشانی، مولی محمدباقر محقق سبزواری، محمدبن حسن حرّ عاملی، مولی محمدباقر مجلسی از جمله محدثان شیعه می‌باشند.

پس از یک دوره مبارزه سرسختانه محمدامین استرآبادی و شاگردان و پیروان او با اجتهاد و مجتهدین و گذاشتن بنای عداوت و دشمنی بین دانشمندان شیعه بطوری که از حدّ اختلافات علمی خارج گردید، وحید بهبهانی (مولی محمدباقربن محمد اکمل) در راه اعتلای اجتهاد از هیچ کوششی دریغ نکرده و با ردّ شبهات و اتهامات اخباریین در صدد اثبات احتیاج قواعد اصولی در راه استنباط احکام برآمدند و با موفقیت در راه شکست تفکر اخبارگیری به تقویت راه صحیح استنباط کوشش و کتب نفیسی را در این زمینه تألیف کردند «بنیاد فکری مکتبی که اینک به «اخبارگیری» موسوم شده است. در جریانهای فکری قرون اولیه اسلام و مقارن زمان حضور امام(ع) می‌توان یافت در همین اوان در فقه عامه نیز دو جریان فکری وجود داشت.

گروه اول که عمدتاً اهل مجاز بودند به اهل حدیث اشتهار داشتند و گروه دیگر که غالباً مقیم عراق بودند «اصحاب رأی» نامیده می‌شدند (گرچی ۲۳۵). به گفته شهرستانی: «علت تسمیه اهل حدیث به این نام این بود که آنان کوشش خود را بر تحصیل و نقل حدیث و حکم بر طبق آن مقصور می‌داشتند.» (شهرستانی ج ۱ ص ۲۴۳). اهل حدیث برای یافتن حکم شرعی ابتدا به قرآن سپس به احادیث و اگر احادیث معارض بود و ترجیحی در هیچکدام نبود به اقوال و فتاوی صحابه و اینها حتی خبر ضعیف و مرسل را بر قیاس ترجیح می‌دادند. شهرستانی از ابن ادریس شافعی نقل کرده اگر خبری بر خلاف رأی من یافتید بدانید که نظر همانست که خبر بر آن دلالت دارد (همان ج ۱ ص ۲۴۴).

فقیهان تأثیرگذار در شکل‌گیری مکتب قم

۱- آیت... بروجردی از مراجع بزرگ شیعه و از شاگردان آخوند خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی بود وی علاوه بر فقه و اصول در حدیث و رجال نیز تبحر فوق‌العاده‌ای داشت. مدتی بعد از وفات موسس حوزه علمیه قم شیخ عبدالکریم

حائری و سید ابوالحسن اصفهانی مرجعیت عام علم شیعه به ایشان منتقل شد و مترجم علاوه بر اداره حوزه‌های علمیه و تربیت شاگردان بسیار آثار تألیفی متعددی نیز دارد.

۲- امام خمینی (قدس سره الشریف): سید روح... موسوی خمینی در بیستم جمادی الآخر ۱۳۲۰ در شهرستان خمین به دنیا آمد. پدر بزرگوارشان آیه... سید مصطفی موسوی که از معاصران میرزای شیرازی و از علمای برجسته خمین به شمار می‌آمد وی هنگامیکه حاج آقا روح... پنج ماهه بود بین راه خمین و اراک به ضرب گلوله به شهادت رسید. مترجم دروس مقدماتی را پیش اساتید منطقه چون: آقامیرزا محمود افتخار العلماء، میرزا رضا نجفی خمینی، آقا شیخ علی محمد بروجردی و ... فراگرفت و در سال ۱۲۹۸ شمسی عازم حوزه علمیه اراک شد و مقارن هجرت آیه... حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۳۰۰ شمسی) به حوزه علمیه قم منتقل گردید (گرجی ص ۲۸۹) و ایشان دروس فقه، اصول ریاضیات، هیئت و فلسفه، عروض، قافیه، اخلاق و عرفان را فراگرفته و سالهای طولانی در حوزه علمیه قم به تدریس پرداختند و تألیفات متعددی از ایشان بجای مانده از جمله مسائلی که امام خمینی (علیه الرحمه) سخت به آن اهمیت می‌دادند مسئله وحدت - تقریب بین مذاهب و عدم تفرق میان آنها بود. در ایام حج مضرانه شیعیان را به شرکت در جماعات اهل سنت و عدم ارتکاب اعمال نامناسب توصیه می‌نمودند. امام خمینی را می‌توان مجدد فقه شیعه در قرن چهاردهم نامید و همراه با نهضت امام تحولی در فقه شیعه ایجاد شد که در طول تاریخ اسلام بعد از پیامبر بی‌نظیر یا کم‌نظیر می‌باشد. امام خمینی با پیاده کردن نظام اسلامی و برخورد با مشکلات اجرائی احکام شرع انور اسلام، برخلاف مکتب فقهی نجف که در صدد کمال بخشی فقه فردی است بدنبال تأسیس فقه اجتماعی بر مبنای عنصر تعیین‌کننده زمان و مکان در استنباط احکام شرعی می‌باشد و این تحول در فقه شیعه در طول تاریخ بی‌نظیر یا کم‌نظیر می‌باشد.

مکتب قم در عصر حاضر

مکتب فقهی قم

در این مکتب که به مکتب فقهی قم معروف و هم‌زمان با مکتب فقهی نجف می‌باشد مکتب قم با تأسیس حوزه علمیه قم شکل گرفت و هنوز هم این مکتب به فعالیت خود ادامه می‌دهد و شاگردان مرحوم آیت... بروجردی براساس این مکتب فقاقت می‌کنند. مکتب فقهی نجف را استنباط افراطی در استفاده از علم اصول فقه دانسته و با توجه به تاریخ فقه، سیر تطور هر مسئله از مسائل فقهی در طول زمان و بررسی آراء و اقوال اهل سنت برای فهم روایات ائمه اطهار در استخراج احکام فقهی کوشش نموده است. آیت... بروجردی معتقد بودند فقه از همان ابتدا برخلاف تصور عده‌ای از علماء به صورت سماعی نبوده و به نقل حدیث از معصومین خلاصه نمی‌شده و امامان شیعه از یاران و شاگردان خود فقط نقل حدیث و روایت نخواستند بلکه آنها را به تحقیق و تعقل دعوت می‌کردند. و لذا استنباط براساس آیات و روایت مطلوب بوده است. پس تفکر و تفقه در دوران ائمه اطهار نیز رایج بود.

سنت فقهی و چهارچوب فکری آیت... العظمی بروجردی تقریب مذاهب بود. روش فقه پژوهی این عالم بزرگ و آگاهی از فتاوی اهل سنت در دوران ائمه اطهار را از لوازم فقاقت دانسته‌اند. و خودشان نیز وقتی می‌خواستند نظر فقه امامیه را بگویند

ابتداء فقه سایر مذاهب را نقد نموده و معتقد بوده‌اند کسی که فقه مقارن را بداند و آشنائی با مکاتب فقهی دیگر داشته باشد می‌تواند برداشت جامع‌تری از آیات و روایات داشته باشد.

در روش فقهی آیت... بروجردی نکته قابل توجه این است که در طرح هر مسئله، ابتدا تاریخچه آن مسئله را مطرح می‌کرده‌اند و می‌فرموده‌اند اولین بار چه کسی، چرا و به چه نحوی آن را مطرح کرده است و این روش منحصر بفرد این فقیه بزرگ بود. و به همین خاطر فقه در زمان این فقیه با اتکاء به این روش، تحول و پیشرفت چشمگیری داشته و این روش را می‌توان در مباحث فلسفی شاگرد ایشان آیه... مطهری بوضوح ملاحظه نمود.

در فقه آنچنان که باید و شایسته است به قرآن توجه نشده است و مرحوم بروجردی با توجه به این نقیصه به طلاب توصیه می‌نموده‌اند برای فهم فقه و استنباط بهتر باید بیشتر با قرآن مأنوس بود. بخصوص طلابی که از نجف می‌آمده‌اند زیرا در آنجا توجه به قرآن کمتر اما در مکتب قم از زمان شیخ عبدالکریم حائری توجه به قرآن بوده و با آمدن آیت... بروجردی این توجه بیشتر شده است. برای تأیید وضعیت مکتب نجف بعنوان یک شاهد مثال: وقتی آیت... خوئی یک جلد تفسیر نوشتند مانعش شده و گفته‌اند: اگر تفسیر بنویسید، دیگر مرجع نمی‌شوید.

آیه... خوئی و مکتب فقهی نجف اشرف

سید ابوالقاسم بن علی اکبر بن هاشم موسوی خویی در ۱۵ رجب ۱۳۱۷ (ق) در خوی متولد شد و در سال ۱۳۳۰ به نجف اشرف مهاجرت کرد و با اتمام دروس سطح در سال ۱۳۳۸ پا به عرصه تحصیل درس خارج می‌گذارد و از محضر درس اساتید بزرگی همچون شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی)، شیخ محمدرحیم نائینی بهره برد و با انتشار جلد اول اجودالتقریرات که تقریر درس مرحوم میرزای نائینی به قلم اوست، وی را بعنوان یک مجتهد جوان در حوزه نجف معرفی می‌کند. و حدود سال ۱۳۵۲ تدریس خارج فقه و اصول را در نجف اشرف آغاز می‌نماید و نزدیک به شصت سال تدریس، علمای بزرگی در محضر او پرورش می‌یابند و از او در موضوعات فقه، اصول رجال و تفسیر کتب ارزشمندی بجای مانده و آراء و نظریات او در مباحث فقه و اصول قابل توجه می‌باشد.

نقل شده: «مجموع آثار چاپ شده ایشان ۴۳ عنوان است» (سایت seday shia). در این بین بررسی مبانی و روش فقه پژوهی این عالم بزرگ تشیع قابل بررسی می‌باشد که در جای خود به بحث و بررسی آن خواهیم پرداخت. نقل شده «به همت بلند این مرجع بزرگ شیعه مراکز بزرگ تبلیغی در نقاط مختلف جهان تأسیس شده است مانند نیویورک، لندن، سوانزی آمریکا، بمبئی کراچی، مالزی و چند مدرسه علمیه در قم، نجف و مشهد»

مکتب فقهی نجف اشرف

مرحوم آیه... خوئی عالمی بود که سعی کرد فقه شیعه را فارغ از زمان و مقتضیاتش به شیوه سنتی استنباط کند و فقه فردی را کمال بخشد و در این راه منشأ خدمات فراوانی شد. در راه استنباط احکام علم اصول فقه در این مکتب از رفیع‌ترین جایگاه برخوردار و همین جایگاه ویژه برای علم اصول مهمترین خصیصه این مکتب فقهی می‌باشد. در وصف این عالم بزرگ چنین گفته‌اند: «۱- آنکه بیانی بسیار بلیغ داشت و مسائل را بسیار گویا، رسا، روشن و منطقی مورد بحث قرار می‌داد. ۲-

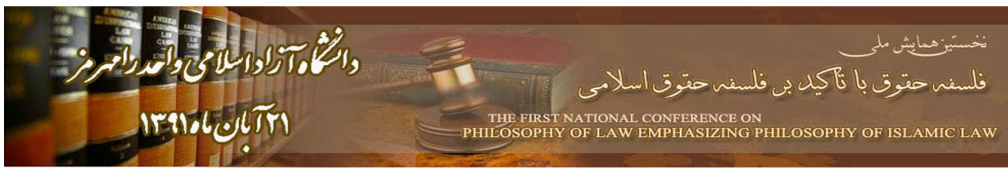
- بعلت بهره‌گیری از استادان بیشتر، طلاب تشنه و مشتاق را از آراء برجستگان بیشتری آگاه و سیراب می‌ساخت. ۳- آراء ایشان پیوسته قاطعانه و مبتنی بر قیاسات منطقی بود» (گرگی ۲۸۸، ۲۸۷)
- و در مورد برخی از آراء و نظرات فقهی این عالم شیعی چنین آمده:
- «۱- در شبهات مصداقی عام عقیده داشتند می‌توان آنها را از راه ضمّ وجدان به اصل ولو استحصاب عدم ازلی اهراز نمود.
- ۲- در باب استحصاب، استحصاب حکم کلی را جاری نمی‌دانستند، نه بدین جهت که استحصاب احکام اساساً جاری نیست چنانکه که گروهی پنداشته‌اند، بلکه بدین جهت که پیوسته با استحصاب عدم جعل، معارض است.
- ۳- در مورد اکره بر قتل، برخلاف نظر مشهور بر این عقیده بودند که چنانچه توعید به کمتر از قتل نباشد، مکره می‌تواند مرتکب قتل شود و در این صورت قصاص او جایز نیست.
- ۴- ضمان عاقله، حکم تکلیفی محض است (نظیر نفقه اقارب) و ضمان وضعی با خود جانی است.
- ۵- قاعده الحدود تدرأ بالشبهات، بطور کلی چنانچه مشهور برآند درست نیست و تنها در موارد منصوص جریان دارد.
- ۶- شهرت عملی که خود دلیلی بر حجّیت ندارد چگونه می‌تواند غیر حجّتی را حجّت کند؟
- ۷- اختلاف افق تأثیری در واقعیت ثبوت هلال ندارد.
- ۸- جز در آیه نجوی، در هیچ آیه دیگری نسخ ثابت نشده.

نتیجه‌گیری

در میان تمام مکاتب فقهی که در طول حیات اسلام ظهور کرده‌اند هر کدام در برهه‌ای از تاریخ درخشیده و بعلت ضعفی که بوده نتوانسته‌اند به حیات خود ادامه داده و پس از مدتی رو به اضمحلال رفته و چه بسا در حال حاضر چون نامی از آنها در کتب چیزی باقی نمانده و اما مکاتبی که هنوز به حیات علمی خود ادامه می‌دهند. مکتبی که در دو بعد فقه فردی و اجتماعی تلاش نموده و عقل و نقل را در کنار هم دو بال استنباط در احکام فقهی قرار داده‌اند از رشد و بالندگی بیشتری برخوردار و توانسته‌اند جوابگوی نیازهای فقهی مسلمانان باشند که در این جهت می‌توان از فقیه بزرگ قرن حاضر حضرت امام خمینی قدس سره‌الشریف نام برد که با این دیدگاه توانست نهضت انقلابی اسلامی را هدایت و قلوب بسیاری از مسلمین جهان را با خود همراه نماید. امید است فقهاء سیره امام خمینی را سرلوحه همه فعالیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی خود قرار دهند.

فهرست منابع

- ابوزهره - محمد، تاریخ المذاهب الفقهیه - دارالفکر العربی ۱۹۷۱ م
- خضری بک - محمد، تاریخ التشريع الاسلامی - المكتبة التجارية الكبرى ۱۳۸۷ هـ
- شهرستانی - محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل مکتبه الحسین التجارية ۱۳۶۸ هـ
- صفری - نعمت‌ا...، نقش تقیه در استنباط
- قرآن
- گرگی - ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء انتشارات سمت ۱۳۷۵
- موسوی خوانساری - محمدباقر روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات چاپ سنگی ۱۳۰۶ هـ



• موسوی همدانی - سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان - دفتر انتشارات اسلامی

• نهج البلاغه

www.anjomanhawazan.ir

سایت انجمن حوزه

www.sedayshia.com

سایت صدای شیعه

www.tebyan.net

سایت تبیان